



معرفی

ضمیمه نوجوان

شماره ۱۹ - ۲۶ تیر ۱۳۹۹

نوجوان



ساره بویه



یه چند صبحی  
بیشتر به  
باز شدن مدارس  
نمونده به جای  
نشستن پای  
گوشی صفحه  
معرفی نوجوانه  
رو بخونید  
و از فرصت  
باقی مونده  
استفاده کنید



## «کلماتیک»

اگر با بازی های ایرانی آشنا باشید، احتمالا اسم کلماتیک به گوشتون آشناست. کلماتیک یک بازی ساخت ایران است که هم روی سیستم عامل اندروید و هم آی او اس قابل اجراست. این بازی درست مثل بازی های استراتژیک می تواند ساعت ها فکر و ذهن شما را درگیر خودش کند. همان طور که از اسمش پیداست، شما قرار است که با کلمات سرو کار داشته باشید.



هرچه جلوتر بروید، کلماتی که باید حدس بزنید، سخت تر و سخت تر می شود. اگر یک موقع جایی گیر کردید می توانید با استفاده از سکه هایی که بازی در اختیارتان می گذارد یکی از حروف را آزاد کنید تا این گونه کارتان برای پیدا کردن کلمه مورد نظر آسان تر شود. این بازی از طراحی جالبی برخوردار است. هر مرحله یک اسم و شکل و شمایل خاص خودش را دارد؛ و این می تواند به جذاب تر شدن بازی کمک کند. خلاصه اگر دنبال یک بازی ساده می گردید اما در عین حال دوست دارید که ذهنتان را به چالش بکشید، فرصت را از دست ندهید و کلماتیک را دانلود کنید. کاربرهای اندروید به راحتی می توانند بازی را از گوگل پلی و بازار دانلود کنند. اما کاربرهای آی او اس در صورت پیدا نکردن بازی روی اپ استور می توانند با دانلود کردن سیب اپ نه تنها کلماتیک بلکه کلی بازی ایرانی دیگر را، روی گوشی هایشان نصب کنند.

## «همه چیز، همه چیز»

تصور کنید یک روز صبح از خواب بیدار شوید و با این صحنه که درهای خانه قفل هستند و شما اجازه اینکه از خانه بیرون بروید را ندارید. قطعا با خودتان فکر می کنید که اشتباهی شده. دنبال پدر یا مادرتون می گردید تا شاید جواب سوالتان را از آنها بگیرید. اما بالاخره کاشف به عمل می آید که شما بالاچار در خانه حبس شده اید. نه فقط برای یک روز، بلکه تا ابد. شما نه تنها حق بیرون رفتن از خانه را ندارید، بلکه اجازه دیدن دوستانتان را هم نخواهید داشت.

(البته به لطف کرونا، شاید خیلی هامون این شرایط رو تجربه کرده باشیم.) حالا باید به این فکر کنید که کسی از بدو تولد در چنین شرایطی به دنیا آمده باشد و مجبور باشد تا آخر عمر در همین حال زندگی کند. مطمئنم حتی فکر کردن به آن هم تا حدودی غیرممکن است. اما «همه چیز، همه چیز» داستان زندگی دختر نیست به نام مدی، که مجبور به حبس ابد در خانه شان است. او پدر و برادرش را در حادثه ای از دست داده و با مادر دائم نگران و پرستاری در خانه پیشرفته ای زندگی می کند. خانه ای که قرار است جای خالی همه نداشته هایش در دنیای واقعی را پر کند. اما بالاخره زمانی از راه می رسد که کاسه صبر هر کسی لبریز می شود. با وارد شدن پسر همسایه به زندگی مدی، همه چیز دستخوش تغییراتی می شود. مدی متوجه رازها و نا گفته هایی می شود که زندگی اش را از این رو به آن رو خواهند کرد.

نکته جالب اینکه این فیلم هم مثل خیلی از فیلم های دیگر یک اقتباس سینمایی از

## «سونیک خارپشت»

قهرمان ها قرار نیست همیشه از بین آدم ها باشند. مثلا وقت هایی دنیا برای فرار از آدم های بد ذات و شرور، به یک خارپشت نیاز دارد، اما نه یک خارپشت معمولی.

سونیک خارپشتی است که در بچگی توسط جغدی نجات پیدا می کند و با استفاده از حلقه های طلایی پرتال که او را از جهانی به جهان دیگر منتقل می کند، خودش را به زمین می فرستد و تصمیم می گیرد که زندگی اش را روی کره زمین ادامه بدهد.

سونیک مثل اکثر شخصیت های اصلی داستان ها، یک دشمن خونی و همیشگی به اسم دکتر رباتینک دارد که قرار است مسیر رسیدن به اهداف را برای سونیک سخت و دشوار کند. اما این بار سونیک تنها نیست و پلیسی به نام تام و چونسکی به کمکش می آید تا با هم جلوی حيله و نقشه شیطانی دکتر رباتینک را بگیرند.



اگر مثل من با سری انیمیشن و بازی های سونیک و ماجراجویی هایش خاطره دارید، این فیلم که در واقع ترکیبی از فیلم و انیمیشن است می تواند برایتان تدامی کننده دوران کودکی باشد. اما اگر این اولین باری است که اسم سونیک را می شنوید اصلا اشکالی ندارد. چون قطعا از این فیلم خوشتان خواهد آمد.

نکته جالب در مورد این فیلم بازی جیم کری در نقش دکتر رباتینک است که به جذابیت فیلم کمک کرده. پس دو ساعتی را می توانید وقت بگذارید و با سونیک و ماجراجویی هایش همراه شوید.



کتابی با همین اسم، نوشته نیکولایون است. فیلم ریتم آرام و ملایمی دارد اما مکالمات جالب بین مدی و شخصیت های دیگر داستان به خصوص پسر همسایه، روند فیلم را جذاب کرده اند.

اما به زبان ساده و خودمانی، فیلم شاید از نظر تکنیکی و تخصصی ساختار خیلی فوق العاده و قوی ای نداشته باشه، اما در این روزهای کرونایی، از آن فیلم های حال خوب کن و با صفاست که می تواند دو ساعتی شما را از دنیا و استرس هایش جدا کند.

## معرفی کتاب

### مراقب گلویتان باشید!

حدیثه محمدی

۱۷ ساله از کرج



می خوام یک کتاب خوبی در قالب خاطره نویسی است معرفی کنم که مقدمه مهمی برای داستان نویسی به شمار می رود. کتاب «من سوزن قورت دادم» نوشته فریبا خانی یک جلد از

مجموعه «خاطرات خواندنی» است. این مجموعه علاوه بر تشویق مخاطبان به ثبت خاطراتشان، آنان را با تجربیات مهم و شیرین نویسندگان مختلف آشنا می کند.



کتاب «من سوزن قورت دادم» شامل برخی از خاطراتی است که فریبا خانی از دوران کودکی و نوجوانی اش دارد.

این نویسنده هربار تغییر شخصیت می دهد تا به مخاطبش بگوید که این خاطرات می تواند مال هر کسی باشد. در بخشی از این کتاب می خوانیم: «خاطره های کودکی خیلی عجیب و غریبند، اما خاطره من با همه خاطره ها فرق دارد. راستش من در دوران نوجوانی سوزن قورت دادم! آن هم از نوع بادکنک ها...»

خیاطی اش! از همین هایی که مادرم با آن کوک شل می زند. می پرسی: «مزه اش؟» مزه اش که حرف نداشت، خیلی با حال بود! جشن تولد من بود. اتاق را تزئین کرده بودم با هزار تا بادکنک، حالا دروغ چرا؟ هزار تا که نبوده اما بیست سی تایی می شد. من و برادرم لوله های خودکار را برداشتیم و با سوزن افتادیم به جان بادکنک ها...»

مجوز حمل نگهداری سلاح شکاری به شماره کلاسه پرونده ۱۶۸۲۶ مورخ ۹۳/۴/۱۱ دولول ساجمه زنی کوسه کالبیر ۱۲ ساخت ترکیه به شماره بدنه TR12090912 مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

بدینوسیله اعلام می گردد که گواهینامه های پایان تحصیلات دوره کارشناسی به شماره ۱۲۹۲۸ مورخ ۱۳۷۸/۰۱/۲۲ و پایان تحصیلات دوره کارشناسی ارشد به شماره ۱۵۱۶۵ مورخ ۱۳۷۸/۰۱/۲۲ صادر شده از دانشگاه صنعتی شریف متعلق به اینجناب علی رضا یعقوبی کهنگی فرزند حسینعلی به شماره شناسنامه ۱۰۴۱۴ صادره از تهران متولد ۱۳۵۲/۱۱/۲۳ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.